

خلاقیت، عرق ملی و استفاده درست از ظرفیت کار تیمی، مبدأ اتفاقات بزرگ و شیرین در صنعت کشور شده‌اند.

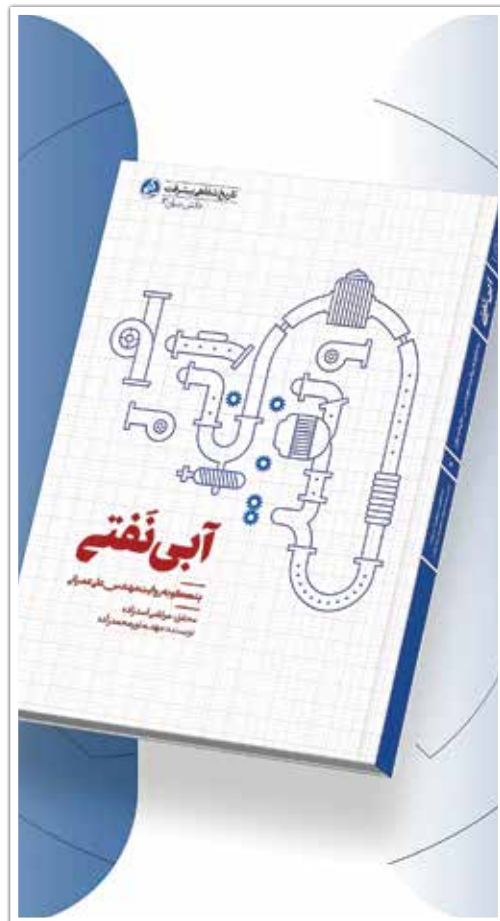
کتاب «آبی نفتی»، روایت پیشرفت‌های شرکت صنعتی «پتکو» به قلم مهدی نورمحمدزاده و از سوی انتشارات «راه یار» منتشر شده است. شرکت تولید پمپ‌های بزرگ و توربین آبی با نام اختصاری پمپ و توربین (پتکو)، در سال ۱۳۷۱ تأسیس شد و سال ۱۳۷۸ به بهره‌برداری رسید. این شرکت خصوصی جهت طراحی و ساخت سفارشی پمپ‌های مورد نیاز صنایع مختلف از جمله نفت، گاز، پتروشیمی، صنایع نیروگاهی، خطوط انتقال آب و توربین‌های آبی کوچک و متوسط بنا شده است. کارخانه این شرکت در منطقه صنعتی قراملک تبریز واقع شده است.

برای رقم زدن اتفاقات بزرگ بیش از نخبگان تک‌بعدی حادثه‌کنکور به متخصصان با اراده و پرتلاش نیز نیاز داریم، آنها که با عشق و علاقه پله‌های رشد را یکی یکی بالا آمده و همه استعداد وجودی‌شان را مانند ذره‌بین در یک نقطه کانونی متمرکز کرده‌اند. پیشرفت واقعی با همین آدم‌ها اتفاق می‌افتد، گرما و زندگی همین جاها پیدا می‌شود و امید همین اطراف متولد می‌شود، جایی حوالی عشق، ایمان و وطن!

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «لبخند به لب همراهان شدند وقتی پمپ نیروگاهی ساخته شده با ورق را

دیدند، بسیار تعجب کردند. اصلاً باور نمی‌کردند خودمان آن را ساخته باشیم. همکاران آزمایشگاه، لوله‌ها را متصل کردند و استارت زدیم. پمپ با قدرت شروع به کار کرد. البته با صد لرزش کمتر از پمپ ساخت ترمومکانیکای ایتالیا! آقای «ویلا» ناباورانه نگاه می‌کرد، نزدیک تر رفتیم. دیدم گوش‌هایش سرخ شده است. انگشت اشاره‌ام را به سمت پمپ گرفتم و با صدای بلند به ویلا گفتم: «این همان پمپی است که در ایتالیا قول ساختش را به شما دادم. آقای ویلا! ایرانی جماعت اگر حرفی بزند مطمئن باشید به آن عمل می‌کند. ویلا، چیزی نگفت و مشغول بازی با خودکارش شد.»

کتاب «آبی نفتی»، روایت پیشرفت‌های شرکت صنعتی «پتکو» که تحقیق آن برعهده مرتضی اسدزاده بوده و تدوین آن توسط مهدی نورمحمدزاده صورت گرفته است، در ۲۶۲ صفحه، و شمارگان هزار جلد توسط انتشارات «راه یار» منتشر شده است.



”

«لبخند به لب همراهان شدند و به آزمایشگاه رفتیم. وقتی پمپ نیروگاهی ساخته شده با ورق را دیدند، بسیار تعجب کردند. اصلاً باور نمی‌کردند خودمان آن را ساخته باشیم. همکاران آزمایشگاه، لوله‌ها را متصل کردند و استارت زدیم. پمپ با قدرت شروع به کار کرد. البته با صدای لرزش کمتر از پمپ ساخت ترمومکانیکای ایتالیا!»

”

این همان پمپی است که در ایتالیا قول ساختش را به شما دادم. آقای ویلا! ایرانی جماعت اگر حرفی بزند مطمئن باشید به آن عمل می‌کند. ویلا، چیزی نگفت و مشغول بازی با خودکارش شد.»